

تحلیل نظارت الکترونیکی به عنوان مصداقی از جایگزین‌های حبس

دکتر کرم جانی پور^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۲۵

چکیده:

نظارت الکترونیکی که به مثابه جایگزینی برای مجازات حبس مطرح شده است در آمریکا و برخی کشورهای اروپایی بیش از چهاردهه است که به کار گرفته شده و با توجه به پژوهش‌های انجام شده تاثیر مثبتی در حبس زدایی و کاهش آمار تکرار جرم مجرمین داشته است. در ایران برای نخستین بار در قوانین جدید آیین دادرسی کیفری و مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به رسمیت شناخته شده ولی هنوز آن طور که باید نزع نیافته است. نظارت الکترونیکی به عنوان مصداقی از جایگزین‌های حبس از طریق حبس خانگی و کنترل مجرمین با فناوری‌های الکترونیکی می‌تواند نقش بسزایی در کاهش آثار زیانبار زندان آن هم برای مجرمین کم‌خطر داشته باشد و مسیر باز اجتماعی شدن بزهکار را تسهیل نماید. در این مقاله با نگاهی گذرا به کیفر نظارت الکترونیکی چالش‌ها و فرصت‌های این جایگزین حبس در نظام عدالت کیفری ایران بررسی خواهد شد.

واژگان کلیدی: نظارت الکترونیکی، جایگزین حبس، بازاجتماعی شدن، حبس زدایی

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، کهکیلویه و بویراحمد، ایران
karam.janipour@gmail.com

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده می باشد.

مقدمه:

حق آزادی که پس از حق حیات یکی از اساسی‌ترین حقوق بشر محسوب می‌شود جایگاه خود را در میان قوانین و مقررات جدید پیدا کرده و بر همین مبنا چارچوب روابط قوای حاکم بر شهروندان باز تعریف شده است. رواج یافتن حقوق شهروندی موجب افزایش تکالیف حکمرانان شد. مردم به دنبال دولت‌های پاسخگو بودند و انتظار داشتند که حاکمان حقوق اولیه همه شهروندان - از جمله حق حیات و حق آزادی - را به صورت کامل هم در برابر مردمان متجاوز و هم در برابر کارگزاران حکومت، حفظ و حراست کنند. اهمیت حقوق اساسی شهروندان - به ویژه حق آزادی - سلب آزادی از افراد را به عنوان یک استثنا و آخرین حربه مطرح کرد و گستردگی استفاده از حبس و بازداشت موقت را زیر سوال برد و سلب آزادی تنها برای موارد مهم و خطرناک مجاز شمرده شد. بدین ترتیب مشروعیت حبس دچار تردید شد و کمتر کسی سلب آزادی از تمام مجرمان را پذیرفت. نتایج مطالعات و آمارها نیز نشان دادند که حبس چه از منظر فلسفه ارباب و بازدارندگی و چه از منظر فلسفه اصلاح و درمان با شکست مواجه شده است در عین حال انتقادهای گسترده‌ای به آثار منفی زندان از لحاظ اقتصادی، جرم‌شناختی و اجتماعی وارد شد. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۴: ۳) این اشکالات گسترده در کنار شکست عملی مجازات حبس و تردیدهایی که در مشروعیت نظری آن پدید آمده بود، همه متفکران علوم جنایی را واداشت که به دنبال جایگزین‌هایی برای مجازات حبس باشند. (صفاری، ۱۳۸۶: ۵۵)

در واقع، شکست تدابیر و برنامه‌های اصلاحی و بازدارنده زندان، اصل ضرورت و سودمندی همگانی کیفر را که خاستگاهی در اندیشه‌های روشن‌گرانه "سزار بکاریای" ایتالیایی داشته است؛ با تردید و تزلزل جدی مواجه ساخته است. تجربه ثابت نموده که اعمال بی حد و مرز این مجازات، حتی در یک نظام مترقی و مدعی کیفرشناسی فایده‌گرا، نمی‌تواند نقشی انصراف آور و پیشگیرانه را ایفا نماید. لذا زندان که روزگاری تاسیس آن موجب مباحثات حکمرانان و اندیشمندان علوم جنایی بوده است، به دلیل ضعف و ناکارآمدی در سیاست‌های جنایی و رواج فرهنگ کیفر محوری و جرم‌انگاری‌های افراطی، صرفاً به ابزاری برای اعمال قدرت و حل مشکلات سطحی دولت‌ها مبدل شده و بر عمق نابسامانی‌های موجود بسی افزوده است. چنین

پدیده‌های افزون بر ایجاد بحران تورم جمعیت کیفری، به جهت نقض حقوق و آزادی‌های فردی نیز، نقطه عزیمت بد نامی حقوق جزا گردیده است.

واقعیت آنست که ارزیابی عملکرد زندان چندان مثبت نمی‌باشد؛ زیرا زندان یک رسالت پیشگیرانه محدود دارد و صرفاً بزهکار را برای مدتی از محیط اجتماعی دور ساخته و در عوض، پیامدهای منفی اجتماعی، روانی و جسمانی بر فرد زندانی به جای می‌گذارد؛ چرا که، وضعیت‌های داخلی و خارجی زندان اجازه نمی‌دهد تا این نهاد وظیفه اصلاحی و تربیتی کیفرشناسانه اش را به نحوی مطلوب و سازنده، به معرض اجرا در آورد. اما، علی‌رغم انتقاداتی که به سیستم زندانبانی و شرایط نامناسب زندان‌ها وارد است، این کیفر همچنان به عنوان مرسوم‌ترین مجازات در سرتاسر دنیا به حساب می‌آید؛ به طوری که تجسم یک سیاست کیفری بدون زندان در ذهن، امری محال و ناممکن می‌نماید. بنابراین، با درک این مهم که شعار حذف کامل زندان، نمی‌تواند در شرایط فعلی واقع‌گرایانه باشد، تلاش‌های انجام شده از سوی دولتها، سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای غیر دولتی مرتبط، معطوف به اصلاح وضع موجود برای برخورداری از یک نظام زندانبانی بهتر و کارآتر بوده است که از یکسو، به انسانی‌تر کردن شرایط زندانها بیانجامد و از سوی دیگر، بر اهمیت نقش اصلاحی و ارعایی مجازات حبس بیفزاید.

انتقادهای فوق، زمینه تحول و دگرگونی واکنش‌های اجتماعی علیه جرم و ضرورت طرح اندیشه‌های جایگزین حبس یا مجازات‌های بینابین را با هدف تحدید مداخله‌های کیفری و در جهت ارزیابی الگوی جنایی مناسب مهیا ساخته است.

نظام قضایی ایران نیز در پی بروز مشکلات و تبعات منفی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، قضایی و اجرایی ناشی از اعمال مجازات زندان، با الهام از تجارب فراملی، در چند ساله اخیر کوشیده است با طرح اندیشه موسوم به "زندان زدایی" یا "کاهش جمعیت کیفری"، به ترویج فرهنگ زندان زدایی با هدف کاهش آمار ورودی و افزایش خروجی زندان‌ها مبادرت ورزد. با این حال، ابعاد مختلف این سیاست کماکان در هاله‌ای از ابهام و کلی‌گویی قرار داشته و حدود و ثغور آن به روشنی مشخص نشده است.

۱) مفهوم نظارت الکترونیکی

نظارت الکترونیکی که یک ابزار برای کنترل مجرمین به شمار می‌رود برای نخستین بار در سال ۱۹۸۴ در آمریکا مطرح شد در واقع حبس خانگی که به عناوینی دیگر نظیر حبس در منزل نیز تعبیر شده است، در مقام بدیلی برای مجازات‌های حبس از سوی برخی کشورها در اواخر سده بیستم به ویژه ایالات متحده اتخاذ شده است. به موجب این گزینه کیفری جامعه مدار، به جای تحمیل حبس در ندامتگاه یا زندان، محکوم علیه ملزم می‌گردد در غیر ساعات کاری، در منزل ماندگار بوده و از آن فضا خارج نشود یا به شکلی دیگر حق رفت و آمد در طول شب برای مدتی معین از وی سلب می‌گردد. این نوع کیفر که در آن نظارت و کنترل بیش از تعلیق مراقبتی و کمتر از زندان است، حداقل در راستای تامین سه هدف یعنی ناتوان سازی بزه کار برای تکرار بزه، مجازات و بازپروری از سوی برخی نظام‌های عدالت کیفری برگزیده می‌شود. (خاقانی، ۱۳۹۰: ۱۳۴)

برای نظارت بر اشخاص تحت شمول این مجازات و اجرای کیفر تحمیلی، شیوه‌های چندی پیش بینی شده است تا از رهگذر آنها بتوان محکوم علیه را تحت نظارت داشت. به عنوان نمونه، از ابزارهایی نظیر علامت دهنده پیاپی، وسیله تماس برنامه ریزی شده که شامل تکنولوژی تایید صدا، مچ بند که به گونه‌ای برنامه ریزی می‌شود که کد مخصوصی را به تلفن تماس منتقل می‌سازد، بازو بند که به جعبه‌های متصل به تلفن وصل می‌شود و نیز علامت رادیویی و دستگاه صدا دهنده استفاده می‌گردد.

تاسیس حقوقی- تکنولوژیکی «نظارت الکترونیکی» نخستین بار توسط دکتر شوارتزگبل^۱ در دهه ۶۰ میلادی مطرح شد و به سرعت به منظور مهار بحران افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها در آمریکا، کانادا و انگلستان مورد اتخاذ واقع گشت. اجرای این مجازات از طریق دستگاه ارسال پیاپی پیام^۲ انجام می‌شود. این سامانه از سه بخش اساسی تشکیل شده است: رایانه مرکزی^۳ دستگاه گیرنده^۴ و ابزار ارسال پیام^۵. دستگاه ارسال پیام به مچ پا یا دست

^۱ - Robert schweitzgebel

^۲ - continuously signaling device

^۳ - central computer

^۴ - receiver/ dialer

^۵ - transmitter

متهمان و محکومان نصب شده و از طریق خط تلفن، پیغام‌های خاصی را به رایانه مرکزی مستقر در اداره پلیس یا اداره تعلیق مراقبتی صادر می‌نماید. به محض اینکه ارسال پیام‌های مزبور از سوی دستگاه ارسال پیام^۱، شروع یا متوقف گردد (بسته به نوع سامانه) دستگاه گیرنده، اطلاعات مزبور را ثبت و به رایانه مرکزی انتقال می‌یابد.

روش دیگر در کنترل الکترونیکی، سامانه برقراری ارتباط نامنظم فرکانسی میان دستگاه گیرنده امواج با دستگاه فرستنده امواج- دست بند یا ریز تراشه- مستقر در بدن فرد محکوم به حبس در منزل می‌باشد. در این روش رایانه مرکزی مستقر در «مرکز نظارت بر حسن اجرای تعلیق مراقبتی یا حبس در منزل»^۲ - که از دوایر پلیس است- در ساعات مشخص و یا به صورت اتفاقی با مجرم یا متهم مورد نظر تماس برقرار کرده و از حضور فرد محکوم در منزل اطمینان حاصل می‌نماید و نتیجه را به ثبت می‌رساند. این روش هزینه کمتری نسبت به روش پیش گفته دارد؛ زیرا نظارت الکترونیکی به شکل راندومی و نه علی‌الدوام- که طبعاً هزینه بیشتری دارد- صورت می‌پذیرد. (همان: ۱۳۵)

برنامه‌های نظارت الکترونیکی، برای نخستین بار در سالهای ۱۹۸۴-۸۵ در آمریکا در سطح ملی پذیرفته و آغاز شد. از آن تاریخ برنامه‌های مشابهی در این کشور ایجاد شده‌اند. یافته‌های پژوهش‌های اخیر، برنامه‌های نظارت الکترونیکی را به عنوان یک ضمانت اجرای بینابین موفقیت آمیز به اثبات رسانده‌اند. در نظر بزهکاران نیز حبس‌های منزلی همراه با نظارت الکترونیکی دارای بار قهرآمیز بیشتری از تعلیق مراقبتی و بار قهرآمیز کمتری از زندان است. نرخ فرار از منزل و تکرار جرم به نسبت پایین بوده و شواهد نشان می‌دهد که حبس‌های منزلی برای برخی بزهکاران ممکن است کارایی خوبی داشته باشد برای نمونه در برخی دادگاه‌ها روش نظارت الکترونیکی به یک ضمانت اجرای مناسب برای رانندگان مست تبدیل شده است. با این حال محدودیت‌های روش شناختی برخی پژوهش‌ها این مساله را که آیا پایداری مثبت پژوهش‌ها آثار و نتایج برنامه یا سایر آثار را منعکس می‌نماید یا خیر مبهم می‌سازد. برای نمونه نرخ پایین فرار از منزل و تکرار جرم در برنامه‌های نظارت الکترونیکی می‌تواند از

^۱ - global positioning system (gps)

^۲ - center for supervision on good performance of probation

انتخاب خطرپذیری پایین بزهکاران برای مشارکت در چنین برنامه‌هایی ناشی شود. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۰:۱۰۷)

کنترل الکترونیکی می‌تواند نسبت به شماری از متخلفان، گروه‌ها و موقعیت‌های خاص مورد استفاده قرار گیرد. به عنوان مثال می‌توان از این سامانه جهت کنترل متهمان و محکومانی استفاده نمود که هنوز به اتهام آنها رسیدگی نشده و یا به تحمل کنندگان نظارت الکترونیکی (محکومان به حبس در منزل) که حبس بودن آنها از باب اجرای دادنامه‌های کیفری مشتمل بر لزوم تحمل تعلیق مجازات از نوع مراقبتی، تحمل الزام به اقامت در محل معین، الزام به ترک اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان و الکل و یا از باب تحمل مجازات حبس در منزل - به عنوان مجازات اصلی یا تکمیلی اختیاری - است.

۲) حالت خطرناک بزهکار

در فرایند تعیین نوع مجازات نقش پیش بینی حالت خطرناک به رسمیت شناخته شده است؛ به طوری که همه اعضای دیوان عالی ایالات متحده آمریکا، در پرونده ژورک^۱ علیه تگزاس^۲ موافقت خود را با تصمیم دادگاه ابراز داشته‌اند. مطابق این تصمیم مقام تعیین کننده مجازات باید با توجه به رفتار محتمل آینده شخص مجرم برای وی مجازات تعیین نماید (morris,norval:miller,marc,1985.5) در چنین حالتی مفهوم حالت خطرناک نیز تغییر می‌کند. در مدیریت خطر جرم سوژه اصلی مجرم است و از منظر حقوق ایران مفهوم حالت خطرناک ذیل مجرم خطرناک پذیرفته شده است لذا سعی می‌کنیم مجرم خطرناک را بر اساس نظریه مدیریت ریسک جرم تعریف کنیم و بر این اساس مجرم خطرناک کسی است که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی و کیفیت و شدت جرم ارتكابی، وی را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار می‌دهد و بر این اساس دادگاه برای مدیریت ریسک جرم و تکرار آن کنترل بزهکاری و یا کاهش خطرهای مجرمانه یا جابه جایی آنها، تدابیری را بر اساس میزان خطر مجرم اتخاذ می‌کند که در درجه‌های مختلفی میان حذف بزهکار از جامعه تا طرد و خنثی سازی و جلوگیری پیوسته یا موقتی از اضرار او به جامعه در نوسان است.

¹ - jurek

² - texas

سیاست مراجع قضایی و پلیسی نسبت بزهکاران بر اساس میزان خطر دوگانه خواهد بود. این سیاست دوگانه که شامل رفتارهای کیفری ملایم و زندان‌های کوتاه مدت نسبت به بزهکاران کم خطر یا استفاده از جایگزین‌های حبس است: مانند استفاده از سامانه‌های الکترونیکی برای تحت کنترل درآوردن بزهکار، همچنین در مراحل مختلف دادرسی مانند صدور حکم و اجرای آن اتخاذ و اعمال می‌شود. در مرحله صدور حکم، دادرس با تکیه بر تجربه قضایی خود براساس جداول و معیارهای پیش بینی شده خطر تکرار جرم که کارشناسی بالینی یا آمار در اختیار او قرار داده است. (نجفی ابرند آبادی، پیشین: ۷۳۶) با توجه به میزان خطر بزهکار تصمیم مناسب اتخاذ می‌کند.

برنامه حبس‌های منزلی منحصراً به سوی نظارت، جهت یافته است و بازسازی و توانبخشی در آنها هرگز یک هدف آشکار و صریح نبوده است. با این وجود برنامه‌های نظارت الکترونیکی ویژگی‌های اصلاحی- تربیتی قطعی و مسلمی نداشته است این برنامه‌ها بزهکار را در معرض آثار جرم شناسانه زندان قرار نمی‌دهد، پیوندهای خانوادگی را قطع نمی‌سازد، و در اشتغال یا تحصیل بزهکار اختلال ایجاد نمی‌کند. علاوه بر این برنامه‌های نظارت الکترونیکی زمینه آموزش، مشاوره و سایر جنبه‌های اصلاحی تربیتی را فراهم می‌سازد. شواهد اخیر نشان می‌دهد که افزایش تدابیر اصلاحی- تربیتی ممکن است تغییرات مثبتی در رفتار بزهکار ایجاد کند. گزارش‌های سه پژوهش تجربی در مورد روش تعلیق مراقبتی فشرده در کالیفرنیا، پترسیلیا و ترنر خاطر نشان می‌سازد که افزایش نظارت بر بزهکاران به تنهایی اثر کمی در نرخ بازداشت و حبس دارد. با این حال ترکیب نظارت با مشاوره، اشتغال، اعاده وضع (جبران خسارت) و خدمات اجتماعی، به کاهش نرخ تکرار جرم منتهی می‌گردد. (همان: ۱۰۸)

۳) گستره اجرای نظارت الکترونیکی

دلیل عمده‌ای که به ایجاد اقبال و گسترش بهره‌گیری از نظارت الکترونیکی در طول دهه اخیر انجامیده همانا ازدحام جمعیت زندان و تلاش برای کاهش این جمعیت و همچنین جلوگیری از احداث زندان‌ها است. افزون بر این ملاحظه مهم دیگری که در گسترش بهره‌گیری از نهاد نظارت الکترونیکی بسیار موثر است همانا حرکت به سمت کاهش هزینه‌های نظام اصلاحی آن هم به دلیل بحران‌های مالی و محدودیت‌های موجود در بودجه‌ها می‌باشد.

با وجود توسعه نهاد نظارت الکترونیکی به عنوان ابزاری مقرون به صرفه بایستی عنوان نمود که معرفی نظارت الکترونیکی ریشه در یافتن جایگزینی انسانی برای حبس دارد، چرا که به موجب این نهاد، اصلاح و بازسازی مجرمان با جامعه به نحوی مطلوب تضمین می‌شود. (فروغی، ایرانی، ۱۳۹۵: ۶۱۴)

در حقوق کیفری آمریکا، گستره و تنوع نوع اعمال نظارت الکترونیکی به سه منطق زیر مبتنی است: توقیف، محدودیت و نظارت؛ توقیف از طریق طرح‌های حبس خانگی حاصل می‌شود. شخص مورد نظر بایستی در طول ساعات تعیین شده در منزل حضور داشته باشد. برنامه های حبس خانگی یکی از اولین گونه‌های نظارت الکترونیکی است و رایج‌ترین آن نیز به شمار می‌رود. محدودیت نیز از طریق برقراری ممنوعیت در ورود به مناطق ممنوعه یا ارتباط با اشخاصی که مقام قضایی ممنوع کرده است (برای مثال بزه دیدگان احتمالی، مساعدت کنندگان در جرم) در راستای پیشگیری از جرم گام بر می‌دارد. نظارت نیز از طریق ردیابی مستمر مجرم حاصل می‌شود. بی آنکه در عمل محدودیتی بر رفت و آمدهای آنان اعمال گردد. گاهی نیز حوزه تاکید و تمرکز نهاد نظارت الکترونیکی به ساختار اعمال آن به عنوان مجازاتی اجتماعی و یا تدبیری پیشگیرانه بستگی دارد. کارایی نظارت الکترونیکی به آن دسته از ابزارهای فنی بستگی دارد که برای تضمین اطلاعات مجرم از شرایط تحمیلی بر وی به کار می‌روند، بنابراین نظارت الکترونیکی می‌تواند به طور گسترده در تمام مراحل عدالت کیفری و نظارت اصلاحی اعمال شود. (همان: ۶۱۴)

۳-۱) نظارت الکترونیکی در مرحله پیش از دادرسی

در حقوق کیفری آمریکا، نظارت الکترونیکی به ابزار همه کاره و قابل استفاده‌ای تبدیل شده است که می‌تواند در تمام مراحل نظام عدالت کیفری به کار رود. تنوع برنامه‌های نظارت الکترونیکی به این معناست که می‌تواند در مرحله پیش از دادرسی، مرحله صدور حکم، در خلال اعمال مجازات زندان و در طول مرحله پس از زندان استفاده شود. به اعتقاد آلبرشت، جایگاه نظارت الکترونیکی در بازداشت پیش از محکومیت یا در حبس خانگی و یا پس از اعمال مجازات‌هایی مثل زندان همراه یا آزادی مشروط قابل اعمال است. (آلبرشت، ۱۳۹۳: ۷)

از دهه ۱۹۹۰ یعنی نخستین باری که نظارت الکترونیکی از سوی کشورهای انگلستان و ولز، سوئد و هلند وارد سیاست مقابله با جرم در اروپا شد، به شکل بسیار گسترده در این کشورها به کار رفت: به عنوان مجازات برای اعمال در دوره پس از مجازات به عنوان ابزاری برای آزادی پیش از موعد، و همچنین به عنوان جایگزینی برای بازداشت‌های پیش از محاکمه. (Albrecht, Hans-Jörg, 2008, 37) ایتالیا، فرانسه، بلژیک و اسکاتلند در حدود سال ۲۰۰۰ م اقدام به پذیرش نهاد نظارت الکترونیکی نموده‌اند. در گزارشی که در سال ۲۰۰۴ م در خصوص وضعیت زندان‌ها و مراکز نگهداری پیش از دادرسی اروپا تقدیم شورای اروپا شده است،^۱ نظارت الکترونیکی در کنار خدمات عام المنفعه، در قالب یک تدبیر جایگزین حبس، به عنوان راهبرد امید بخشی معرفی شده است که می‌تواند از ازدحام جمعیت زندان‌ها و وخامت آنها جلوگیری نماید. به هر حال در اروپا یا نظارت الکترونیکی به عنوان یک اقدام منفرد و یا اقدام عمده و عام (برای مثال در حقوق انگلستان و هلند) یا به عنوان یک اقدام تکمیلی برای افزایش نظارت و اعمال شرایطی بر مجرمان که زندان آنها موقتاً معلق مانده است (به شکل حبس خانگی جایگزین زندان) و یا به صورت اقدامی پس از آزادی و به جای زندان (مثل سوئد) به کار می‌رود. (فروغی، ایرانی، ۱۳۹۵: ۶۱۵)

۳-۱-۱- در رسیدگی‌های کیفری قبل از دادرسی (Pre-trial) نظارت الکترونیکی می‌تواند یا به عنوان شرط اضافه‌ای مبنی بر آزادی با سپردن وثیقه و یا در برابر وثیقه سنتی، آن هم برای افراد فقیری که در غیر این صورت در بازداشت باقی می‌مانند، به کار رود. هدف در این روش از اعمال نظارت الکترونیکی، کاهش خطر تکرار جرایم جدید از سوی شخص است. افزون بر این باید دانست که مفروض نظارت الکترونیکی تضمین تبعیت متهم از شرایط تحمیل شده می‌باشد. در طرحی که اصطلاحاً طرح «درب جلو» (front-door) (یعنی دربی که به زندان ختم می‌شود) نام دارد، باید تا حد ممکن از زندان دوری کرد و همچنین از ورود شخص به محیط جرم زای بافت بازداشتگاه نیز پیشگیری نمود. در این شیوه نظارت الکترونیکی به عنوان یک مجازات فوری و زودرس قلمداد می‌شود؛ از یک طرف سبک‌تر از زندان و از طرفی دیگر

^۱- Report submitted to the Committee on Legal Affairs and Human Rights of the Council of Europe on the Situation of European Prisons and Pre-Trial Detention Centres published in 2004.

شدیدتر از پرویشن است. این برنامه از نظارت الکترونیکی معمولاً ناظر به گونه‌های حبس خانگی است؛ آن هم از طریق اعمال محدودیت‌هایی نسبت به آزادی افراد. در اروپا توسل به نظارت الکترونیکی به عنوان جایگزینی برای بازداشت‌های پیش از محاکمه مد نظر بوده است؛ راهبردی که یک نوع اخطار به دستگیری (Arrest warrant) به شخص متهم شمرده می‌شود تا در صورت انجام ندادن تکالیف مقرر به بازداشت محکوم گردد. (فروغی، ایرانی، ۱۳۹۵: ۶۱۶)

نظارت الکترونیکی در مرحله تحقیقات مقدماتی به عنوان هفتمین قرار از قرارهای تامین کیفری برای نخستین بار در نظام کیفری ایران، در بند چ ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ش، با عنوان قرار التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت مشخص با موافقت متهم و با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات پیش بینی شده است. به موجب بند چ نوعی قرار آن هم از طریق کنترل حضورش در منزل به وسیله دستبند یا پابند الکترونیکی ایجاد می‌گردد که به آن حبس خانگی نیز گفته می‌شود. در این بند افزون بر خارج نشدن از منزل یا محل اقامت شخص متهم التزام به حضور نزد مقام قضایی تعهد دیگر متهم است. وجه التزام مقرر نیز ضمانت اجرای هر یک از این دو تعهد بوده با نقض یکی از آنها مبلغ یاد شده قابل وصول می‌باشد. (خالقی، ۱۳۹۴: ۲۰۶ و ۲۰۹) نکته مهم دیگر این است که اجرایی شدن این قرار تامین به موجب ماده ۲۵۲ از قانون آیین دادرسی کیفری به تصویب آیین نامه وابسته شده است؛ زیرا که به موجب ماده ۲ آیین نامه ۱۳۹۳ ش هیئت وزیران به متهمان به عنوان افراد مشمول نظارت الکترونیکی اشاره نشده است.

۲-۳) در مرحله رسیدگی و اصدار حکم

نظارت الکترونیکی می‌تواند به عنوان گزینه نخست مجازات قلمداد شود؛ در صورتی که دادگاه دستور به تعلیق مجازات بدهد یا شرایط اعمال مجازات جامعه محور وجود داشته باشد. (آلبرشت، همان: ۵-۶) همچنین نظارت الکترونیکی می‌تواند جایگزین مناسبی برای حبس قلمداد شود (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۲: ۲۷) با این تعبیر که پس از آنکه دادگاه مجازات حبس را نسبت به فرد صادر نمود آن شخص می‌تواند پس از ارزیابی، مناسب بودن برنامه حبس خانگی را از طریق نظارت الکترونیکی بپذیرد. در حقوق کیفری امریکا طرح indoor (درون

ساختمان) نسبت به رژیم زندان آن کشور راه اندازی شده است. در این کشور و کشورهای اروپایی نظارت الکترونیکی در زندان‌های باز (برای ردیابی و رهگیری زندانیان) حتی در خارج از زندان و در طول مرخصی از زندان هم استفاده می‌شود. این نکته در آیین نامه هیئت وزیران مبنی بر استفاده از نظارت الکترونیکی نسبت به مرخصی زندانیان و زندانیان مشمول زندان باز پیش بینی شده است.

طرح و برنامه معروف به پشت درب (بیرون از زندان) خود حاکی از رایج‌ترین استفاده از نظارت الکترونیکی می‌باشد و به دو قسمت تقسیم می‌شود: آزادی پیش از موعد یا زود هنگام و برنامه‌های پس از آزادی در زندان. برای مثال نظارت الکترونیکی به عنوان شرط اعطای آزادی قبل از موعد و زود هنگام پیش بینی می‌شود؛ مانند آزادی مشروط تا بتواند از این طریق در سهولت انتقال محکوم از زندان به جامعه مفید واقع گردد. در خصوص اعمال نظارت الکترونیکی در بستر برنامه‌های پس از آزادی از زندان به ویژه نسبت به مجرمان خطر دار و دارای ریسک بالا قابل اعمال است، تا از این طریق نه تنها بر رفتار آنها نظارت شود، بلکه آنان را از ارتکاب جرایم شدید باز دارد. فراتر از دامنه نظام سنتی عدالت، نظارت الکترونیکی را می‌توان در حوزه‌های مختلف دیگری نیز بازساخت و ریشه یابی نمود. یک مثال بارز آن دستورات و تدابیر محدود کننده دادگاه در خصوص پیشگیری از نزدیک شدن بزهکار بالقوه به بزه دیدگان بالقوه است. برای نمونه در پرونده‌های خشونت خانگی نظارت الکترونیکی می‌تواند به عنوان ابزاری در حمایت از بزه دیده ایفای نقش کند، به این شکل که چنانچه شخصی وارد منطقه ممنوعه شود مقامات می‌توانند با شخص ارتباط برقرار نموده به علاوه بزه‌دیدگان نیز به موجب دستگاه‌هایی که در منزل آنها ایجاد شده است از این موضوع با خبر شوند. یکی دیگر از مصدق اعمال نظارت الکترونیکی و البته نادر، این است که برای نظارت بر اتباع خارجه‌ای که در معرض اخراج از کشور هستند به کار می‌رود. به طور کلی بایستی عنوان نمود که نظارت الکترونیکی در نظام کیفری به خوبی به عنوان یک نهاد مستقل و یا یک شرط اساسی در برنامه‌های متعدد به رسمیت شناخته شده است. (فروغی، ایرانی، ۱۳۹۵: ۶۱۸)

نظارت الکترونیکی در مرحله صدور حکم و به عنوان مجازات جایگزین حبس، در ماده ۶۲ ق.ا.م. و همچنین به عنوان یک اقدام تأمینی در تبصره ۲ ماده ۸۹ در خصوص اطفال و نوجوانان

پیش بینی شده است. برابر ماده ۶۲ محکوم به حبس شرط اصلی رهنمون شدن به سوی امکان صدور این نهاد است.

۳-۳) در مرحله اجرای حکم

به موجب ماده ۵۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ش «در جرایم مشمول آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند پس از وصول گزارش شورای طبقه بندی زندان و نظریه مددکاران اجتماعی معاونت اجرای احکام کیفری مبنی بر آنکه اجرای یک فعالیت شغلی یا حرفه‌ای، آموزشی، حرفه آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و یا درمان پزشکی، از سوی محکوم علیه در خارج از محیط زندان در فرایند اصلاح وی و یا جبران ضرر و زیان بزه دیده موثر است به دادگاه صادر کننده حکم، پیشنهاد اجرای ... آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی را طبق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی دهد و مطابق تصمیم این دادگاه اقدام کند.» با توجه به تصریح این ماده امکان به کارگیری این نهاد در مرحله اجرای حکم نیز وجود دارد؛ با این تفاوت که در این مرحله قاضی اجرای احکام تنها زمانی می‌تواند پیشنهاد دهد که گزارش از نهاد و مقام دیگری دریافت کند؛ در حالی که در مراحل دیگر نهاد قضایی مربوطه خود رسماً اقدام می‌کند. در آیین نامه هیئت وزیران در خصوص زمان اجرای حکم برخی از محکومان را علاوه بر محکومان به درجات پنج تا هشت پیش‌بینی نموده است: زندانیان محکوم به جایگزین حبس زندانیانی که به مرخصی اعزام می‌شوند و زندانیانی که مشمول ماده ۲۲۷ و آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها بوده، به مرخصی اعزام می‌شوند... شخص زندانی با وجود شرایط این ماده و به نظر قاضی دادگاه و گاه شورای طبقه بندی می‌تواند از نظارت الکترونیکی بهره مند شود.

۴) ایرادات وارده بر اجرای نظارت الکترونیکی

با شروع استفاده از نظارت الکترونیکی به عنوان بدیلی از زندان محققین با بررسی عملکرد این نوع مجازات به ایراداتی دست یافته‌اند که در ادامه به بررسی آن پرداخته خواهد شد.

۴-۱) نقض حریم خصوصی

از جمله ایرادهای نظارت الکترونیکی - به عنوان یکی از مصادیق نسل جدید مجازات‌ها - این است که به کارگماری فرستنده‌های این سیستم، اسباب تفحص زیستگاه مسکونی و شغلی

بزه کار خواهد شد. پرواضح است که ماموران انتظامی در غیر مورد حکم بازرسی، اجازه ورود به و یا تفتیش حریم خصوصی شهروندان- منزل، خودرو و حتی جیب پیراهن- را ندارند. بی شک، نصب فرستنده‌های موصوف، حکم ورود غیر مجاز به حریم غیر را داراست. استدلال ماموران تعلیق مراقبتی در مراقبه دیجیتال، «فرض حقوق کاهش یافته» است؛ با این توضیح که از این جهت که مجرم، ارزشی را در جامعه نقض نموده، حق بهره مندی از حریم خصوصی را از دست خواهد داد. (petersilia,j.1998.17-31) نیز این پرسش مطرح است که آیا بازرسی بدین شکل، تنها در حوزه تکالیف ماموران تعلیق مراقبتی است یا تمامی ماموران پلیس را شامل می‌شود؟(خاقانی، پیشین:۱۴۶)

نصب دوربین یا میکروفن یا دستگاه ردیاب می‌تواند احتمال تجسس در زندگی خصوصی شهروندان را افزایش داده و آزادی‌های فردی و خانوادگی آنان را محدود کند. در واقع از بدو توسعه برنامه‌های نظارت الکترونیکی دغدغه اصلی حقوقدانان احتمال نقض حقوق خصوصی بزهکاران و خانواده آنها در اثر اجرای برنامه بوده است.

برخی ادعا کرده‌اند که فناوری نظارت الکترونیکی موقعیتی را به وجود آورده که منزل بزهکاران واقعاً به زندان آنها تبدیل شود. دیگران از آن بیم دارند که استفاده گسترده از نظارت الکترونیک و توقیف خانگی می‌تواند به نتایجی منجر شود که در زمان اوورول در سال ۱۹۸۴ بیان شده است (که در آن ارتباطات و جابجایی شهروندان به وسیله مقامات حکومتی کنترل می‌شده است). (محمدنسل، ۱۳۸۳:۱۴۳)

مدافعان نظارت الکترونیک در پاسخ به چند نکته اشاره کرده‌اند. اولاً معتقدند که شرکت در برنامه‌های نظارت الکترونیکی و حتی حبس در منزل هیچگاه به اندازه محیط زندان حقوق و آزادی‌های فردی را تحت الشعاع قرار نمی‌دهد. ثانیاً این نظارت با رضایت کامل افراد شرکت کننده صورت می‌گیرد، لذا این نگرانی‌ها قابل تحمل‌تر می‌شود. تا جایی که برخی از دادگاه‌ها بر این باورند که بزهکار با شرکت در برنامه نظارت الکترونیک از حقوق مسلم خود صرف نظر می‌کند. بنابراین او حق ندارد که انتظار برخورداری از حریم خصوصی را داشته باشد. (پیتیر سیلیا، ۱۹۸۸)

به نظر می‌رسد که رضایت بزهکار نقش اساسی در شکل‌گیری قانون نظارت الکترونیک

ایفا می‌کند. برای موثر بودن نظارت رضایت باید بدون اجبار و تهدید و با آگاهی کامل باشد. نوعاً بزهکاران تحصیلات کافی ندارند. بنابراین بسیار مهم است که توضیحات روشنی از ابزار نظارتی و کارکرد آن به بزهکار ارائه شود. همچنین این نکته باید به بزهکار تفهیم شود که استفاده از ابزار نظارتی صرفاً یک جایگزین برای مجازات حبس است. بنابراین نقض مقررات مربوطه پیامدهایی به دنبال دارد و این پیامدها به دقت به وی گوشزد شود. بزهکار نه تنها باید مفهوم آزادی تحت نظارت الکترونیک را درک کند بلکه باید با آن موافق هم باشد.

دادگاه سیار ایالت آریزونا آمریکا در سال ۱۹۸۶ مقرر نمود که صرفاً افسران تعلیق مراقبتی اجازه بازرسی خواهند داشت. لکن دادگاه عالی این ایالت با نقض این حکم، جواز مذکور را برای نیروهای پلیس نیز مورد شناسایی قرار داد. در ادامه این جنجال، دادگاه عالی یوتا اعلام داشت که صدور مجوز بررسی برای کادر تعلیق مراقبتی بدین مفهوم نیست که ایشان حق نقض حقوق اساسی مجرم را داشته باشد. (del carmen, r. and Vaughn, j.1986.69)

۴-۲) پرهزینه بودن اجرای نظارت الکترونیکی

طرفداران گسترش نظارت الکترونیک مدعی هستند که نظارت الکترونیکی هزینه کمتری نسبت به زندان دارد و بزهکار می‌تواند به شغل خود ادامه داده و هزینه‌های نظارت را تامین کند و در عین حال مالیات هم بپردازد.

نلیس (۱۹۹۱) گزارش می‌کند که ۷۵ درصد از هزینه‌های برنامه‌های نظارت الکترونیک توسط بزهکاران به طور کامل پرداخت شده است. اولین برنامه نظارت الکترونیک در ایالت فلوریدا در ابتدای برنامه از هر بزهکار شرکت کننده ۹ دلار در روز دریافت می‌کرد و در نتیجه در مدت ۱۴ ماه از شروع برنامه تمام سرمایه گذاری‌های انجام شده برای اجرای برنامه برگشت شد. (اشمیت و کورتیس، ۱۹۸۷: ۱۹-۱۰)

براساس ارزیابی‌های به عمل آمده توسط «مرکز فن آوری اجرای قوانین ملی بازپروری» nlect در کانادا، هزینه نظارت الکترونیکی در ایالات متحده در سال ۱۹۹۳ به ازای هر نفر در روز، معادل ۵ تا ۲۵ دلار می‌باشد که به عبارتی سالیانه به حدود ۱۸۲۵ تا ۹۱۲۵ دلار خواهد رسید.^۱ بهای هزینه‌ها دائر مدار چند مولفه است: ۱- اینکه نظارت، شبانه روزی و یا متناوب

¹ - national law enforcement corrections technology center, annual report, 1990

باشد. ۲- اینکه ابزار کنترل مجازی، خریداری، رهن یا اجاره شده باشد. ۳- اینکه آیا اجرای طرح نظارت به پیمانکار محول شده باشد یا خیر. باید توجه داشت که بهای نظارت الکترونیکی تنها قسمت کوچکی از هزینه‌های پاسداری از فرد در زندان است. نیز آنکه، آزاد و البته، (عبارت مبهم است) تحت کنترل بودن محکوم علیه، فرصت استمرار اشتغال توسط وی - البته نه در همه موارد- پرداخت مالیات و مبالغ مصروف جهت نظارت توسط وی را نیز به دست می‌دهد. البته نباید از یاد برد که اجرای طرح نظارت الکترونیک، بدو برای مشمولان طرح بسیار هزینه بر است. مینیپرایز - مدیر ایالتی اداره کنترل مجاری زندانیان کانادا- اعلام داشته که ۷۵ درصد مخارج نظارت ترتیب- یافته، از مشمولان این طرح اخذ می‌شود. (mainprize,s. 1992.161)

کانادا به عنوان یکی از کشورهای پیشرو مجری طرح ترمیمی کنترل دیجیتال، طرح مورد اجرا در ایالت انتاریو را به دلیل هزینه بری زیاد (۲۱۶ هزار دلار کانادا) در مقایسه با زندان، در سال ۱۹۹۹ متوقف کرد. وزارت کشور انگلستان، اجرای آزمایشی طرح نظارت الکترونیکی را از این جهت که تحت نظر قرار دادن تنها ۵۰ مجرم، ۷۰۰ هزار پوند هزینه در پی داشته است، مورد تصویب دائمی قرار نداد. (fay,s.j.1993.301) حقیقت آنکه قیاس نمودن مخارج زندان و طرح کنترل مجازی، نادرست، گمراه گر و بی ربط می‌باشد. غلط بودن مقایسه اولاً از این جهت است که هنگام تخمین هزینه نظارت دیجیتال، هزینه بازداشت مجدد و زندانی شدن مشمولان طرح که مرتکب نقض شرایط معهود شده‌اند، مورد اشاره قرار نمی‌گیرد. ۳ تا ۳۰ درصد از کنترل شونده‌گان، آن را با موفقیت به پایان نمی‌رسانند. این گروه فوراً پس از نقض شرایط، مجدداً به زندان فرستاده خواهند شد. (bonta,j.1999.45)

قیاس پیش گفته، از این منظر که مخارج ناظر به آغاز طرح و عقد قرارداد با موسسه‌های خصوصی مقاطعه کار طرح، احتساب نشده است نیز مورد خدشه و غیر قابل اعتماد است. اساساً این قیاس در پی اثبات این است که با اجرای کنترل الکترونیک، تعداد زندانیان رو به کاستی رفته و از زاویه تحلیل مالی نیز صرفه جویی حاصل می‌گردد؛ امری که عمیقاً محل تردید است. درست است که بخش اعظم مخارج زندان، صرف ساخت، تجهیز، نگه داری، استخدام کادر اداری و ... می‌گردد، اما چگونه می‌توان تا این حد به طور ساده انگارانه مدعی

شد که با منتقل نمودن تنی چند از زندانیان و وضع آنها در گروه آزمایش - نقطه مقابل گروه کنترل - نظارت مجازی، تحول مشهود و قابل‌سنجشی در پرداخت‌های مالی زندان حاصل می‌شود؟ بدین خاطر است که کم شدن یا افزون گشتن جمعیت کیفری زندان به این میزان ناچیز، اثر قابل توجهی - آن چنان که حامیان کنترل دیجیتال؛ این واکنش جزایی ترمیمی مستحدث، مدعی‌آند - بر بودجه آن نخواهد داشت. (di tella, r. and schargrodsky, e. 2009. 2)

مدعیان معقول بودن هزینه‌های کنترل مجازی الکترونیکی، سهواً و یا شاید عمداً به آن اهتمام نموده‌اند، این است که محکومان به تعلیق مراقبتی ساده و محکومان به انجام خدمات عام‌المنفعه نیز تحت پوشش این طرح قرار داشته‌اند و اینگونه نبوده که نظارت الکترونیک صرفاً اختصاص به محکومان به حبس داشته باشد.

با درک این ظرائف، نا هم سویی نظارت کیفری الکترونیکی با معیار سودمندی مالی (الگوی هزینه - فایده) نسبت به سایر انواع نظارت‌های اجتماعی بر محکومان روشن گشت. نکته دیگر اینکه، در مقایسه با بازداشتگاه‌ها نیز اجرای این طرح هزینه بیشتری به دنبال خواهد داشت؛ چرا که این مراکز بازداشت مجبور به خرید، کرایه و یا رهن تجهیزات لازم می‌شوند. (خاقانی، ۱۳۸۷: ۱۲)

۳-۴) افزایش کنترل بر افراد و خانواده آنان

هنگامی که یک ضمانت اجرای جدید در صدد جایگزین شدن ضمانت اجرای قدیمی بوده، لکن این جایگزینی به درستی انجام نمی‌شود، شبکه کنترل اجتماعی به طور نامحسوس، زیر زمینی و خزنده‌ای گسترده خواهد شد. در این حالت، متخلفان بیشتری مشمول کنترل اجتماعی قرار گرفته، فلذا نیاز به ماموران مراقبتی بیشتری احساس می‌شود. (Gommei. m., 19. 43)

از ۹۵٪ این وضعیت به «توسعه فیلترهای کنترلی جرم»^۱ یاد می‌شود.

نظارت الکترونیک برخی موارد فشار زیانباری را بر خانواده شخص بزهکار دارد. مانسی (۱۹۹۰) دریافت که نظارت الکترونیک در داخل خانه با احتمال بیشتری از قانون شکنی همراه است. خانواده‌ها اغلب فشار روانی زیادی را به خاطر بار مالی شرکت در برنامه تحمل می‌کنند. زنگ تلفن غیر مترقبه در نیمه شب به اعتماد به نفس و حیثیت اجتماعی بزهکار

¹ - net widening

لطمه می‌زند. اعمال فشار روحی بیش از حد به خانواده ممکن است زمینه را برای تخلف از مقررات برنامه آماده کند مخصوصاً اگر بزهکار مجبور باشد که مدت بیشتری را در منزل بگذراند. از طرف دیگر فواید نظارت الکترونیک برای خانواده شخص بزهکار می‌تواند پیامدهای منفی آن را تحت الشعاع قرار دهد. از دیدگاه بزهکاران نظارت الکترونیک از این جهت سودمند است که به آنان اجازه می‌دهد تماس بیشتری را با اعضای خانواده خود داشته و بتوانند شغل فعلی خود را حفظ کنند. کمتر از ۵ درصد شرکت کنندگان کانادایی در برنامه نظارت الکترونیکی احساس کرده‌اند که این نظارت مداخله در زندگی خانوادگی آنها بوده است. (بونتال وال، ۱۹۹۹) یکی از مطالعاتی که در مورد نظارت الکترونیکی بر بزهکاران در انتظار محاکمه انجام شد نشان داد که بزهکاران قادر شده‌اند خود را از تاثیر سوء معاشرت با بزهکاران رها کرده و وقت بیشتری را با همسران خود سپری کنند. (میدل و براون، ۱۹۹۹) براساس مطالعه‌ای که در ایالت متحده به عمل آمده (رویبن، ۱۹۹۰) ۸۶ درصد از بزهکاران تحت نظارت الکترونیک احساس کرده‌اند که ارتباطات خانوادگی آنان در خلال حبس در منزل بهبود یافته است. ۱۳ درصد هیچ تغییری را متوجه نشده‌اند و ۱ درصد به کاهش احترام والدین نزد فرزندان به دلیل ناتوانی از خارج شدن از منزل و انجام فعالیت‌های طبیعی روزمره شان اشاره داشته‌اند.

یک فرض که هنگام ارزیابی فشار اعمال شده بر خانواده مورد نظر قرار می‌گیرد این است که بزهکار در اصل باید زندانی می‌شده است لیکن به جای آن در برنامه نظارت الکترونیک شرکت کرده است. در مقایسه با مجازات حبس به نظر می‌رسد که آزادی با نظارت الکترونیک برای خانواده سودمندتر است اما هنگامی که این وضعیت را با فرضی مقایسه کنیم که بزهکار با آزادی مشروط و بدون نظارت الکترونیک رها شده باشد در این حالت مزایای نظارت الکترونیک به حداقل می‌رسد. (محمدنسل، پیشین: ۱۴۶)

ادله غیر قابل انکاری نشان می‌دهد نظارت دیجیتال، شبکه اصلاح و درمان را از مجرای افزایش نیاز به کادر مربوطه گسترش داده است. در ایالات ساسکاچوان کانادا-پیشرو و واجد سابقه دیرین در اجرای نظارت الکترونیک- طرح موصوف بیشتر نسبت به مجرمان کم خطر اعمال گشته است. از این رو به خاطر محدودیت‌های خاص این طرح در مقایسه با طرح

مراقبت‌های تعلیقی - که نسبت به مجرمان پر خطر اعمال می‌شود - بدین خاطر که مجرمان کم خطر از حیث کنترل نظارت، شدیدتر از مجرمان پر خطر رفتار شده است، بسیاری درخواست خروج از آن نموده‌اند. آنها دلیل تقاضای انصراف خود از برنامه کنترل مجازی را افزون بودن احتمال بازگشت دوباره شان به زندان در مقایسه با مجرمان پر خطر اعلام داشته‌اند. (bonta.j.1999.52)

۴-۴) تبعیض در اجرا

نبود سابقه طرح‌های نظارت الکترونیکی و ابهام در نیل آنها به اهداف مورد ادعا و دیگر نگرانی‌ها - به ویژه بودجه تخصیصی به آنها - اجرای پروژه‌های کنترل مجازی را در کشورهای مختلف با مشکل بی بهره ماندن از یارانه و دیگر گونه‌های حمایت دولتی مواجه کرده است. از این جهت هزینه بر دوش مشمولان این طرح قرار می‌گیرد. این جاست که تبعیض پیرامون اعمال این طرح بر افراد کم درآمد نسبت به مجرمان متمول، در قالب یک ایراد در حوزه «دسترسی به عدالت» مطرح می‌شود.

همچنین، ممکن است در مواردی که اجرای برنامه نظارت الکترونیک مستلزم تادیه هزینه از سوی بزهکاران باشد، در رابطه با امکان برخورداری نوجوانان فاقد درآمد و بزرگسالان فقیر، به دلیل نبودن شانس برخورداری از نظارت به جای حبس نوعی بی عدالتی مشاهده شود؛ مخصوصاً که بسیاری از برنامه‌های حبس خانگی تحت نظارت الکترونیک هزینه‌هایی بین یکصد تا دویست دلار در ماه دارند و در برخی از آنها نیز لازم است که بزهکاران مسکنی معین و خط تلفن ثابت در اختیار داشته باشند. بزهکارانی که منابع مالی لازم را در اختیار نداشته باشند، ممکن است هیچ جایگزین دیگری غیر از زندان برایشان پیدا نشود. برای رفع این ایراد برخی از برنامه‌ها هزینه‌های نظارت را با توجه به وسع مالی بزهکاران به طور شناور تعیین کرده‌اند و میزان درآمد بزهکار را در تعیین هزینه‌ها مورد توجه قرار می‌دهند. برخی نیز برای کسانی که خط تلفن در اختیار ندارند، خط تلفن رایگان واگذار می‌کنند.

دیگر ایراد نظارت مزبور این است که علاوه بر محکومان به حبس، در مورد متهمان در انتظار دادرسی، مجرمان مشمول تعلیق مراقبتی نیز اعمال می‌شود. همچنین نسبت به بزهکاران جوان و بزرگسالان با هر میزان درجه خطرناکی به اجرا در می‌آید. به کارگیری یک

معیار هم سان برای گونه‌هایی متفاوت از بزه کاران، با اصل تناسب مجازات‌ها- که طبق آن مجازات باید متناسب با ویژگی‌های مجرم باشد- در تناقض است. حامیان عدالت ترمیمی هیچ‌گاه خود را آماده مواجه با این چالش نکرده‌اند که در مورد متهمان منتظر دادرسی، نظام مجازات نظارت دیجیتال با ابتناء بر چه استدلالی دو گروه از افراد- آنها که هنوز جرمشان در دادگاه صالح اثبات نشده است و مجرمان محکوم به مجازات- را مورد واکنش جزایی مشابه- یعنی کنترل الکترونیک- قرار می‌دهد. (khaghani. M.2009.110)

۴-۵) ابهام در اثربخشی نظارت الکترونیکی

وجود برخی از نواقص و ایرادات در فناوری‌ها و همچنین نبوغ برخی از بزهکاران و از طرف دیگر فساد اداری برخی از ماموران کنترلی از جمله مواردی هستند که اعتماد قطعی به نتایج نظارت الکترونیک را دچار تردید می‌کنند. یکی از محدودیت‌های فناوری‌های به کار گرفته شده در نظارت الکترونیکی مشکلات فنی است که در زمان اجرا حادث می‌شود و می‌تواند به ناحق به حساب تخلف بزهکار از مقررات برنامه گذاشته شود. برخی از انواع سازه‌های ساختمانی می‌تواند سیگنال دستگاه‌ها را قطع کند و در نتیجه به اشتباه چنین تصور شود که بزهکار مقررات را نقض کرده و از برد دستگاه خانگی خارج شده است. اثبات صحت اظهارات بزهکاران موجب بی‌اعتمادی مراجع قضایی به صحت عمل دستگاه‌ها خواهد شد. نقش ماموران کنترلی نیز قابل توجه است. مفید بودن تماس تلفنی اتفاقی در نیمه شب مستلزم آن است که ماموران کنترل در واکنش نشان دادن به تخلفات بزهکاران از مقررات برنامه احساس وظیفه کنند و در نتیجه اعتماد به خروجی‌های برنامه مستقیماً وابسته به صحت عمل ماموران کنترل خواهد داشت.

از طرف دیگر برخی از مجرمان متوجه شده‌اند که چگونه دستگاه‌های کنترل را بدون متوجه شدن مرکز کنترل انتقال داده و جایجا کنند. برخی دیگر از مجرمان نیز از منزل خارج و در محل ارتکاب جرم دستگیر شده‌اند با وجود اینکه دستگاه نظارت الکترونیکی همچنان تصور می‌کرده که وی در خانه است. افزون بر آن گروهی از مجرمان را می‌توان به راحتی از میچ دست یا پا باز کرد بی‌آنکه علامت هشدار دهنده فعال شده باشد. (آشوری، ۱۳۸۲)

اولاً: بیشتر برنامه‌های نظارت الکترونیکی خدمات بازپروری ارائه نمی‌کنند؛ زیرا هدف اصلی آنها تضمین از توان انداختن قطعی مجرمان است نه اصلاح و درمان آنها. افزون بر آن نظارت الکترونیکی ممکن است فاقد قدرت بازدارندگی حبس سنتی در زندان باشد و نسبت به تعلیق مراقبتی سنتی همانگونه که گفته شد تاثیرهای بازپروری اندکی داشته باشد. (محمدنسل، پیشین: ۱۴۸)

ثانیاً: به نظر می‌رسد که نظارت الکترونیکی رد مقابل مجرمی که تصمیم به ارتکاب جرم می‌گیرد و در مورد احتمال دستگیر شدن خود بی تفاوت است مانعی محسوب نمی‌شود. با این حال، برابر تحقیقات انجام شده میزان تکرار جرم در این برنامه‌ها نسبت به برنامه‌های حبس سنتی بالاتر نیست. تحقیقات نشان می‌دهد که هرچند شمار فراوانی از بهره‌وران نظارت الکترونیکی به خاطر تخلف از شرایط برنامه احضار شده‌اند، اما میزان تکرار جرم بسیار پایین بوده است. بهره‌وران به نوبه خود برنامه را با ارزش تلقی می‌کنند و شمار فراوانی از آنان از این فرصت برای به دست آوردن اعتماد و بهبود روابط خانوادگی استفاده می‌کنند. این برنامه نسبت به تعلیق مراقبتی انعطاف پذیرتر است و نسبت به زندان شرایط انسانی‌تری دارد؛ زیرا مجرم شغل خویش را حفظ کرده و در کنار خانواده‌اش زندگی می‌کند (آشوری، ۱۳۸۲)

ثالثاً: زندانی شدن در خانه هیچ تضمینی نمی‌کند که بهره‌ور جرم‌های دیگری مرتکب نشود. شمار فراوانی از جرم‌ها از جمله فروش مواد مخدر معمولاً در سکونت گاه‌های مجرمان روی می‌دهد.

نتیجه‌گیری

نظارت الکترونیکی آن طور که در کشورهای آمریکایی و اروپایی پا گرفته است در نظام عدالت کیفری ایران خیلی نرج نیافته است. در ایران از سال ۱۳۹۲ تازه نظارت الکترونیکی وارد قلمرو قوانین کیفری شده است و مشخصاً نیاز به تکمیل و تهیه زیرساخت‌های لازم تجهیزاتی و فرهنگی است اما به عنوان یک نقطه عطف در قلمرو حقوق کیفری ایران قابل ستایش است. هدف اصلی از نظارت الکترونیکی باز اجتماعی شدن مجدد بزهارکار و اصلاح آن در وهله نخست و کاهش جمعیت کیفری زندان و اجتناب از آثار سوء زندان برای بزهارکاران در وهله دوم مد نظر است. آنچه باید توجه داشت هزینه‌های سنگینی است که احداث و نگه‌داری

زندان و زندانیان برای دولت است که نه تنها خیلی پر هزینه تمام می‌شود بلکه هدف غایی زندان که اصلاح مجرمین نیز می‌باشد به دست نمی‌آید. در این مقاله تلاش شد ضمن معرفی نهاد نظارت الکترونیکی و بسترهای اجرای آن به مسئله چالش‌های این نهاد و اختلافاتی که بین پژوهشگران است پرداخته شود تا مخاطب با بررسی دقیق نقاط قوت و ضعف این نهاد به یک شمای کلی از نظارت الکترونیکی دست یابد.

منابع فارسی

کتب

- آشوری، محمد (۱۳۸۲)، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران، نشر گرایش
- امیر ارجمند، اردشیر (۱۳۸۰)، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، جلد اول و دوم
- آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور
- تدین، عباس (۱۳۸۵)، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، جلد پنجم
- حاجی تبار فیروز جایی، حسن (۱۳۸۶)، جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران، با دیباچه صفاری، علی، چاپ اول، انتشارات فردوسی
- صفاری، علی (۱۳۸۶)، کیفرشناسی، تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی، تهران، انتشارات جنگل
- کوشا، جعفر (پاییز ۱۳۸۱)، جرایم علیه عدالت قضایی، تهران، نشر میزان، چاپ اول
- لویح جدید قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری ایران. / ۵
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (آبان ۱۳۸۴)، کیفرهای جامعه مدار، دیباچه در: کیفر شناسی، برنار، بولک، چاپ چهارم، انتشارات مجد

مقالات

- انعکاس یک اندیشه (بهار ۱۳۸۶)، دبیرخانه ستاد سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کاهش استفاده از مجازات زندان، تهران
- ژولین، آنت استیپاک (پاییز ۱۳۸۰)، درمان مواد مخدر و حبس‌های منزلی همراه با نظارت الکترونیکی: ارزیابی یکی از تدابیر اجتماعی جایگزین زندان، ترجمه رایجیان اصلی، مهرداد، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۶
- خاقانی، مهدی (۱۳۸۷)، میان کنش حقوق کیفری و حقوق تجارت الکترونیک در طراحی الگوریتم‌های رمزنگاری و نهم نگاری، سومین کنفرانس بین‌المللی تجارت الکترونیک و کشورهای در حال توسعه. پژوهشکده itm دانشگاه اصفهان

- فضل الله فروغی، امیر ایرانی (۱۳۹۵)، مطالعه تطبیقی شناسایی و اجرای نظارت الکترونیکی در حقوق کیفری ایران و آمریکا، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۲
- محمد نسل، غلام رضا (بهار ۱۳۸۴)، نظارت الکترونیک بر بزهکاران، فصلنامه دانش انتظامی، سال هفتم، شماره اول
- مقالات اولین همایش بین‌المللی کاهش استفاده از مجازات زندان، ۲۳ و ۲۴ (خرداد ۱۳۸۶)، مرکز همایش‌های بین‌المللی رایزن، تهران
- مقاله‌های همایش راه کارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، ۲۸ و ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۵، (بهار ۱۳۸۶) انجمن علمی دانشجویی دانشکده‌های حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و شیراز، نشر میزان

پایان نامه

- صفاری علی، (۸۶-۸۵) **تقریرات کیفر شناسی**، دوره دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، نیم سال اول

منابع انگلیسی

Book

- Cavadino M. & Dignan.j.(2002),**the penslsystem:An introduction third edition sage publication London**
- delcarmen, r. and Vaughn, j. (1986), **Legal issues in the use of electronic surveillance in probation**. Canadian center for federal probation.
- national law enforcement corrections technology center,annual report, (1990)
- bonta, j. (1999). **Electronic monitoring in canada**. Ottawa: center for public works and government services
- gomme, i. m. (1995), **From big house to big brother: confinement in the future**. In n. Larsen, ed., the Canadian scholars press

Articles

- petersilia, j.(1998),**A mans home is his prison**,criminal justice review. No. 2
- mainprize, s. (1992), **Electronic monitoring in corrections: assessing cost-effectiveness and the potential for widening the net of social control**, Canadian journal of criminology, No. 34
- fay, s. j. (1993),**The rise and fall of tagging as a criminal justice measure in Britain**, International journal of sociology of law, No. 21

-Hegemony of security– **oriented discourse over the third generation of human rights discourse, a new challenge on the prevention of crimes against e – commerce.** Oral presentation on the 4th international conference on e – commerce with focus on developing countries. University of u.s.m. kuala Lumpur. Malaysia

Site

-ditella, r. and schargrotsky, e. (2009), **Criminal recidivism after prison and electronic monitoring**,
(online at: <http://www2.dse.unibo.it/dsa/seminari/500/ditella-schargrotsky10-criminal%20monitoring.pdf>)